

## بررسی آرای گلدزیهر پیرامون اختلاف قرائات قرآن کریم

دکتر مجید معارف\* (استاد دانشگاه تهران)

فاخره فراهانی\* (دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه بوعلی سینا)

### چکیده

موضوع قرائات و اختلاف در آن ارتباط مستقیم با نص قرآن کریم دارد به گونه‌ای که اثبات آزادی در قرائت قرآن، تحریف قرآن کریم را در پی دارد. این مسئله مورد اهتمام مستشرقانی چون گلدزیهر قرار گرفته است. قرآن پژوهان محقق که به اهتمام والای پیامبر ﷺ در صیانت از قرآن و وجود قرائت واحد و معیار بودن قرائت عامه معتقد هستند، این اختلافات را به پس از حیات ایشان نسبت داده‌اند و نتایج تحقیق گلدزیهر را ناشی از مراجعه تک بعدی وی به منابع اهل سنت، داشتن پیش فرض‌های خاص و تعصب و یک‌سویه نگری وی می‌دانند. نسبت دادن تمامی قرائات به پیامبر ﷺ، اثبات عدم وجود نص ثابت برای قرآن، اثبات آزادی و اختیار افراد در قرائت دلخواه از قرآن و در نهایت حکم به تحریف و برابری قرآن با عهدین از دیدگاه‌های گلدزیهر در زمینه قرائات است که مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

**کلید واژگان:** قرآن، مستشرقان، قرائات، گلدزیهر، روایات هفت حرف.

#### مقدمه

نزول قرآن کریم و کیفیت قرائت آن یکی از مهم‌ترین و جنجال برانگیزترین موضوعات تاریخ قرآن کریم بوده است. یکی از ارکان اساسی این موضوع، وجود روایات هفت حرف در منابع روایی اهل سنت و نوع تفسیر ناظر به آن از جانب برخی از آنان است. این موضوع مورد اهتمام گسترده خاورشناسان نیز قرار گرفته است تا آنجا که کتاب‌ها، مقالات و رساله‌های دانشگاهی بسیاری را به آن اختصاص داده‌اند.

گلدزیهر یهودی از جمله مستشرقانی است که در این زمینه دیدگاه‌های ویژه‌ای دارد و می‌کوشد تا با بهره‌گیری از مسئله قرائت و دیدگاه‌های خاص برخی از اهل سنت در این خصوص به تثبیت موقعیت دین یهود در برابر اسلام بپردازد.

وی در این باره کتاب «مذاهب التفسیر الاسلامی» را نگاشت و اختلاف قرائت قرآن کریم را نخستین گام در سیر تاریخی علم تفسیر دانست. نقل، تحلیل و نقد آرای او در حوزه اختلاف قرائت موضوع نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد.

#### معرفی اجمالی گلدزیهر

ایگناس گلدزیهر (Ignaz goldziger) مستشرق یهودی است که در بیست و دوم ژوئن سال ۱۸۵۰م در مجارستان به دنیا آمد. او در سال ۱۸۷۰ دکترای خود را در رشته الهیات و زبان‌های سامی به پایان رساند. وی از جمله خاورشناسانی است که برای فراگیری بهتر دین و فرهنگ شرق و اسلام به سوریه، فلسطین و مصر سفر کرد.

نگاشته‌های وی از مهم‌ترین منابع شرق‌شناسی معاصر است. آثار علمی وی تا ۵۹۲ اثر برشمرده شد (ر.ک: العقیقی، المستشرقون، ۴۱/۳).

هنریش بیکر، مستشرق آلمانی، او را پدر روحانی نسل جدید در اسلام‌شناسی و مؤسس رشته اسلام‌شناسی در دانشگاه‌های غربی می‌داند (ر.ک: سالم الحاج، نقد الخطاب الاستشراق، ۱۷۲/۱ و ۱۷۳).

## الف) دیدگاه گلدزیهر پیرامون اختلاف قرائت

### ۱. اختلاف قرائت قرآن کریم

گلدزیهر در کتاب «مذاهب التفسیر الاسلامی» تاریخ اختلاف قرائت قرآن کریم را هم‌زمان با نخستین دوره تفسیر و پیشینه تلاش در تفسیر قرآن کریم برمی‌شمارد. او با استناد به دیدگاه پیترورنفلس (Peter wernfels)، از پیروان کلیسای جدید مبنی بر اینکه «هر انسانی عقاید خود را در کتاب مقدس می‌یابد، مخصوصاً آنجا که در پی عقاید ویژه و مخصوصی است» (گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۳). معتقد است این مطلب در مورد قرآن کریم نیز صادق است و در اسلام نیز هر جریان فکری می‌تواند عقاید خود را با قرآن تطبیق دهد. وی وجود مکاتب فکری مختلف و تلاش برای اثبات حقانیتشان را دلیلی بر صحت این عقیده می‌داند.

گلدزیهر هر چند اختلاف قرائت و تاریخ آن را از بذره‌های مناسب برای شکل‌گیری علم تفسیر قرآن می‌داند، آن را دلیلی بر عدم وحدانیت نص قرآن نیز تلقی می‌کند. «در میان کتاب‌های دینی که گروه‌های مختلف دینی معتقدند نص وحیانی و نازل شده از جانب خداست، هیچ کتابی همچون قرآن از نخستین دوران رواج آن، دچار پریشانی و عدم ثبات از لحاظ نص و متن وجود نداشته است» (همان، ۴)؛ لذا به نظر او در صدر اسلام هیچ‌گاه روح یگانه‌ای که خواهان تشکیل نص یکپارچه‌ای برای قرآن باشد، به وجود نیامد.

وجود روایات هفت حرف در منابع روایی اهل سنت و اخبار مربوط به اختلاف قرائت قرآن کریم، گلدزیهر را تا بدانجا سوق می‌دهد که به نظریه قرائت قرآن بر اساس معنا روی آورد، آن‌گونه که از منظر او برای مسلمانان تنها حفظ معانی و مفاهیم قرآن کریم دارای اهمیت بود و نه الفاظ آن (ر.ک: همان، ۴۸). او معتقد است این مسئله از جنبه آزادی شایع گذشته و به آزادی فردی رسیده بود تا جایی که برای مردم فرقی نمی‌کرد که نص قرآنی را به گونه‌ای قرائت کنند که موافق با قرائت عمومی نباشد. او حتی معتقد است عثمان قرآن را به طریقی دیگر و خلاف آنچه خود جمع کرده بود، می‌خواند (ر.ک: همان، ۵۶). وی گستره این آزادی در قرائت را حتی در حوزه عبادات و فقه نیز پذیرفته است (ر.ک: همان، ۵۵).

گلدزیهر آزادی در قرائات را به رسول خدا ﷺ نسبت می‌دهد و چنان معتقد است با استناد به قرائات پیامبر ﷺ هیچ‌گونه عسر و حرجی در قرائت قرآن کریم به طرق مختلف وجود نداشته است. از دیدگاه وی، این امر از نوعی تساهل و تسامح نسبت به قرائت قرآن کریم از جانب پیامبر اکرم ﷺ حکایت دارد. البته وی حکایت عبدالله بن ابی سرح و تأیید پیامبر ﷺ در مورد نگارش و قرائت‌های مختلف اوست (ر.ک: همان، ۵۱). گلدزیهر هر چند این تساهل و تسامح در قرائات را به پیامبر اکرم ﷺ نسبت می‌دهد، در عمل معتقد است هیچ‌گونه ارتباطی میان احادیث هفت حرف و اختلاف قرائات موجود نیست و صدور این احادیث تنها تدبیر پیامبر در مواجهه با آغاز اختلاف قرائات است (ر.ک: همان، ۵۱ تا ۶۱).

گلدزیهر احادیث هفت حرف را نزدیک به دیدگاه تلمود درباره فرو فرستاده شدن تورات به لغت‌های گوناگون می‌داند و در پیرامون تفاوت جنس این تغییر زبانی در مورد قرآن و تورات می‌نویسد: «تغییرات لفظی که در کتاب عهد عتیق روی داده است، برخاسته از ویژگی‌های زبانی است که موجب اعتماد بدان می‌شود حال آنکه این‌گونه تغییرات در قرآن کریم ممکن است مورد حمایت قاریان قرار نگیرد» (همان، ۳۲). لکن باید از وی پرسید که مقصود از این ویژگی‌های زبانی چیست؟ و چگونه می‌شود به آن اعتماد کرد در صورتی که همین تغییرات در قرآن کریم از سوی وی موجب مضطرب خواندن آن می‌شود؟ می‌توان گفت به‌رغم اینکه گلدزیهر فردی یهودی و از اهل کتاب است، اعتقاد و برداشت صحیحی از مسئله وحی و صیانت کتاب الهی ندارد.

## ۲. عوامل مؤثر در شکل‌گیری اختلاف قرائات

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، گلدزیهر پیدایش اختلاف قرائات را به تساهل و تسامح پیامبر اکرم ﷺ در امر قرائت و عدم تدوین قرآن در زمان حیات ایشان نسبت می‌دهد. داشتن روحیه آزاد نسبت به قرائت قرآن و واگذار کردن کیفیت قرائت به اختیار صحابه به زعم گلدزیهر از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری اختلاف قرائات بوده است. از منظر وی عوامل مهم دیگری در پیدایش اختلاف قرائات مؤثر بوده است؛ عواملی از قبیل رسم الخط

بررسی آرای گلدزیهر پیرامون اختلاف قرائات قرآن کریم / ۱۵

عاری از نقطه مصاحف عثمانی، خطا نگارشی در مصاحف عثمانی، وجود ملحقات تفسیری، جایگزینی مترادفات (حتی پس از یکسان‌سازی مصاحف از سوی عثمان)، تأثیر دخالت نحویان در قرائت، تنزیه خداوند و پیامبران از برخی اوصاف از سوی قاریان، و شکل‌گیری مکاتب فقهی و کلامی (ر.ک: همان، ۴۶).

در ذیل برخی از آیات مورد استناد گلدزیهر در این باره اشاره می‌کنیم.

## ۱-۲. اختلاف قرائات ناشی از عدم نقطه‌گذاری

از جمله آیات مورد استناد گلدزیهر در این زمینه ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّمَا ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره/۵۴) است که درباره کیفیت توبه بنی‌اسرائیل می‌باشد.

گلدزیهر می‌نویسد: «اگر پیامبر خدا فرمان داده باشد که عده‌ای از بنی‌اسرائیل همدیگر را بکشند، کاری همراه با سنگدلی و قساوت است و تناسبی با کار خطای آنها ندارد. در حقیقت، آیه به صورت «فاقتلوا انفسکم» بوده است؛ یعنی: از راه خود برگردید و از کاری که کردید، اظهار پشیمانی کنید» (همان، ۱۱). او این قرائت را به قتاده مصری متوفی به سال ۱۱۷ق نسبت داده است. از دیگر آیات مورد اشاره گلدزیهر در این زمینه اعراف/۴۸ و ۵۷، توبه/۱۱۴، نساء/۹۴ و یونس/۲۲ است (ر.ک: همان، ۹-۱۲).

## ۲-۲. اختلاف قرائات ناشی از اختلاف حرکات

از جمله آیات مورد استناد گلدزیهر آیه ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ (رعد/۴۳) است.

موضوع مورد مناقشه گلدزیهر در این آیه بر سر عبارت «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» یعنی: خدا و هر کس که از کتاب آگاهی داشته باشد، است. او معتقد است قرائت‌های دیگری از این آیه موجود بوده است که به صورت «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» یا «وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» نیز خوانده شده است. (ر.ک: همان، ۱۴).

دیگر آیات مورد اشاره گلدزیهر در این زمینه توبه/۱۲۸، حجر/۸، مائده/۶ است (ر.ک: همان، ۱۵۱۲).

### ۳-۲. اختلاف قرائات و ارتباط آن با مسائل کلامی

گلدزیهر معتقد است پاره‌ای از اختلاف قرائات از سوی برخی از قاریان و با هدف تنزیه خداوند و رسولان از برخی صفات که در قرآن کریم به آنها نسبت داده شده، صورت گرفته است. وی ذیل آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَابِئاً بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران/ ۱۸) معتقد است شهادت خداوند بر ذات خویش آن هم به همراه فرشتگان دارای دشواری‌هایی است و متناسب با جایگاه ربوبیت نیست؛ لذا تبدیل عبارت «شهاد الله» به «شهداء الله» این مشکل را مرتفع خواهد ساخت (ر.ک: همان، ۳۲ و ۳۳).

گلدزیهر همچنین به فتح/ ۹ و ۸، صافات/ ۱۲ و ۱۱، عنکبوت/ ۲، مائده/ ۱۱۲، انبیاء/ ۱۱۲، مائده/ ۱۰۶، بقره / ۱۳۷، کهف / ۸۰، یوسف/ ۸۱، آل عمران / ۱۶۱ و بقره / ۱۰۶ اشاره است. (ر.ک: همان، ۳۲-۴۴).

### ۴-۲. ملحقات تفسیری

گلدزیهر در این زمینه به آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۱۰۴) اشاره می‌کند و بر آن است که عثمان این آیه را خلاف نص مکتوبی که خود فرمان به نگارش آن داد، قرائت می‌کرد که چنین بود: «یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر + ویستعینون الله علی ما اصابهم» (ر.ک: منبع، ۴۸).

سایر آیات مورد استناد گلدزیهر در این باره آل عمران/ ۵۰، احزاب/ ۶، بقره/ ۱۹۸، ۲۱۳، ۲۳۸، مجادله / ۷، هود / ۷۱، نساء / ۲۴ و مائده / ۸۹ است (ر.ک: همان، ۲۱-۲۷ و ۴۸-۴۹).

### ۵-۲. مترادفات

گلدزیهر با استناد به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور/ ۲۷) معتقد است واژه «تستأنسوا» از سوی برخی از قاریان به صورت «تستأذنوا» قرائت شده است.

بررسی آرای گلدزیهر پیرامون اختلاف قرائات قرآن کریم / ۱۷

آیه‌های بقره/۴۸، مائده/۳۸، رحمن/۹، مریم/۲۷، اسراء/۹۳ و فاتحه/۵ از دیگر نمونه‌های مورد اشاره گلدزیهر است (ر.ک: همان، ۲۷-۲۹ و ۴۹ و ۵۰).

## ۶-۲. خطای نگارشی مصاحف عثمان

گلدزیهر برخی از موارد اختلاف قرائت را به خطای کاتبان مصاحف عثمانی نسبت می‌دهد و به آیه ﴿لَكِنَّ الرَّاٰسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُوْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِمَا اُنزِلَ اِلَيْكَ وَمَا اُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِيْنَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُوْنَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ اُولٰٓئِكَ سَنُوْتِيْهِمْ اَجْرًا عَظِيْمًا﴾ (نساء/۱۶۲) اشاره می‌کند.

گلدزیهر در رابطه با قرائت این آیه به نقل از زبیر بن عوام و ابان بن عثمان بن عفان و همچنین عروة بن زبیر از عایشه آورده است که با توجه به عدم صحت عطف «المقیمین» به ما قبل خود، این مسئله از خطاهای نویسندگان مصاحف عثمان است (ر.ک: همان، ۴۶).

## ب) نقد و بررسی آرای گلدزیهر پیرامون اختلاف قرائات

### ۱. آیات مورد استناد گلدزیهر

همان گونه که پیش‌تر گذشت، یکی از موارد اختلاف قرائات از منظر گلدزیهر، عدم نقطه‌گذاری قرآن بوده است. او در این باره به آیه پنجاه و چهارم از سوره بقره اشاره می‌کند. باید در تفسیر طبری که مرجع گلدزیهر در ذکر قرائات مخالف است، به نقل از قتاده آمده است: «فاقتلوا انفسکم» یعنی در دو صف مقابل یکدیگر بایستید و شروع به جنگ کنید تا زمانی که فرمان کفایت آید و بدین ترتیب، شهادت برای مقتول و توبه برای فرد زنده ثبت می‌شود» (طبری، الجامع الاحکام القرآن، ۱/۲۲۸). از برخی معتزله ذکر شده است که از منظر آنها دستور به قتل نفس قبیح بوده است (قرطبی، جامع البیان، ۱/۴۰۲) باید افزود گلدزیهر این حکم قرآن را شبیه به رأی کتاب مقدس در این زمینه می‌داند، پس چگونه است که این مسئله در قرآن نوعی سنگ‌دلی و قساوت است، اما نسبت به تورات این گونه نیست؟!

در مورد آیه مورد استشهاد گلدزیهر برای اختلاف قرائات ناشی از اختلاف حرکات باید گفت در تفاسیر شیعی مصداق «مَنْ» در آیه شریفه، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام بیان شده است که روایات بسیاری مؤید این نیز هست (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۳۸۹-۳۸۷/۱۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۴۶۲/۶؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ۲۴۳/۱۱). در درالمنثور قرائت «وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» به عمر نسبت داده شده است (ر.ک: سیوطی، درالمنثور، ۶۹/۴). در این صورت، می توان گفت، انگیزه عمر از این تغییر، تنها انگیزه سیاسی در حذف نام امام علی عَلَيْهِ السَّلَام از سر زبان‌ها بوده است، اما این قرائت تنها منسوب به اوست و هیچ یک از قاریان بدان تمسک نرورزیده‌اند. قرائت دوم را زمخشری ارائه کرده است با این فرض که «مَنْ» جاره فرض شود «علم» براساس مفعول بودن منصوب قرائت شود (ر.ک: زمخشری، الکشاف، ۵۳۶/۲)، اما برای این قرائت هیچ قاری‌ای را مشخص نکرده است و ممکن است تنها از توجیهاات نحوی وی نشأت گرفته باشد.

در تصحیح دیدگاه گلدزیهر در باره آیه مورد استشهاد برای ارتباط اختلاف قرائات با مسائل کلامی (آل عمران/۱۸) باید اذعان داشت مفهوم مورد استناد وی در آیه (نساء/۱۶۶) «لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» نیز به کار رفته است. فراتر از این، گاهی خداوند از اعضا و جوارح برای خود سخن می گوید: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه/۵) و «يُدُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح / ۱۰) این مفاهیم حتی توسط پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم هیچ تغییری نیافت و مهم‌ترین دلیل برای اثبات وحدت نص قرآن است.

علامه طباطبایی رحمته الله درباره کیفیت این شهادت می‌نویسد: «خداوند به عنوان شاهدهی عادل با فعل خود یعنی نظام عالم و با قول خود که ظاهر آیه است، شهادت می‌دهد که معبودی جز او نیست» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۱۴/۳).

در پاسخ به شبهه گلدزیهر در مورد آیه مربوط به ملحقات تفسیری (آل عمران / ۱۰۴) می‌توان اشاره کرد که استناد گلدزیهر به تفسیر طبری است که این قرائت را به عثمان و ابن زبیر نسبت داده است (ر.ک: طبری، جامع البیان، ۲۶/۴). ولی باید افزود که ملحقات تفسیری تنها در صدد تبیین مفهوم آیه است و عثمان فقط به تجرید این ملحقات از نص



بررسی آرای گلدزیهر پیرامون اختلاف قرائت قرآن کریم / ۱۹

قرآن فرمان داد. حتی این قبیل قرائت که مخالف با رسم الخط مصحف عثمانی است، به رأی اهل سنت باطل بوده و شایسته تمسک نیست (ر.ک: ابن جزری، النشر فی القرائت العشر، ۹). در مورد آیه مربوط به استفاده از واژگان مترادف (نور/۲۷) باید گفت این قبیل جایگزینی مترادفات گاه برای فهم بهتر از آیات صورت می‌پذیرفت؛ چنان که در تفسیر آلوسی به نقل از ابن عباس در تفسیر این آیه آمده است. «تستأنسوا: ای تستأذنوا» (ر.ک: آلوسی، ۱۲۲/۱۸) و هیچ یک از قاریان نیز این آیه را بدین صورت قرائت نکرده‌اند. باید گفت در این قبیل خطاها نمی‌توان به قول عایشه و ابان بن عثمان تمسک ورزید، زیرا آنها از پیشوایان قرائت نیستند. حوزه علم القرائت از نحو جداست؛ بنابراین، سؤال و پاسخ افرادی که از علمای قرائت نبوده‌اند، اعتباری برای استناد ندارد.

درباره واژه «مقیمین» (نساء / ۱۶۲) باید اذعان کرد که مفسران این واژه را منصوب بر مدح نمازگزاران (یعنی امدح مقیمین الصلاة) و یا مجرور به فعل محذوف (یعنی یؤمنون بالمقیمین) می‌دانند (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹/۵؛ طبرسی، مجمع البیان، ۲۱۴/۳؛ زمخشری، الکشاف، ۵۹۰/۱؛ سیوطی، تفسیر جلالین، ۱۳۱؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ۱۹۰/۶؛ طبری، جامع البیان، ۱۸/۶ و طوسی، التبیان، ۳۸۹/۳). این قبیل قرائت مورد استناد گلدزیهر تنها بهره جستن از روایات شاذ برای خرده گرفتن نسبت به قرآن است؛ به همین دلیل ابن قتیبه می‌گوید: «هرگز اشتباهات قاریان متأخر را حجتی در قرائت قرآن قرار مده» (ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، ۵۸)؛ یعنی قرائت به همان شکل مقبول است که قبل از اجتهاد قراء مرسوم بوده است. اساس قرائت طبق اصل نص متواتر میان مسلمانان است و شکل‌گیری برخی از قرائت به اجتهادات قراء و خطای منتشر میان آنها برمی‌گردد.

## ۲. عوامل مؤثر در شکل‌گیری قرائت مختلف

همان‌طور که پیشتر بیان شد، گلدزیهر رسم الخط مصحف عثمانی و خلو آن از نقطه را یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری اختلاف قرائت می‌داند. باید گفت این رسم الخط

ناقص و ابتدایی عرب در شکل‌گیری پاره‌ای از اختلافات بی‌تأثیر نبوده است؛ چه اینکه تاریخ خبر از اصلاح این رسم‌الخط به منظور اصلاح قرائت قرآن دارد، اما کتابت به خط بی‌مصوت و حرکات در حکم وسیله مدد کار حافظه بود. اگر حقیقتاً قرائت تابع رسم الخط بود باید قرائت متعددی به وجود می‌آمد و همگی از حکم صحت برخوردار می‌بودند (ر.ک: شلی، رسم المصحف العثماني و...، ۳۶). محمد عزة دروزه معتقد است در مورد رسم‌الخط مصاحف عثمانی نه می‌توان همچون خاورشناسان تنها آن را سبب شکل‌گیری اختلاف قرائت دانست و نه اینکه آن را توقیفی و لازم‌الاتباع خواند (ر.ک: عزة دروزه، تاریخ القرآن، ۱۲۸ و ۱۲۹). البته باید در نظر داشت که عثمان همراه مصاحف ارسالی، قاریانی را نیز روانه ساخت که به قرائت صحیح قرآن کمک می‌کردند.

استناد گلدزیهر در این رأی به قول خلیفه سوم است که پس از اكمال نگارش مصاحف گفت: «احسنتم واجملتم اری فیہ لحناً سیقیمه العرب بالسننهم» (ر.ک: گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۴۸).

این سخن که به نقل از عکرمه و ابن‌یعمر از عثمان نقل شده است، نقد و جرحی را برانگیخته است؛ چنان‌که ابوعمر و عثمان بن سعیددانی می‌نویسد: «این خبر نزد ما از دو نظر از حجیت و صحت ساقط است؛ اول به علت تخیل در اسناد و اضطراب در متن و اینکه این روایت مرسل است؛ زیرا عکرمه و ابن‌یعمر از عثمان چیزی نشنیده‌اند و نه حتی او را دیده‌اند. علاوه بر این، الفاظ این روایت احتمال صدور آن را از خلیفه مسلمانان سلب می‌کند؛ زیرا بر عثمان به عنوان خلیفه مسلمانان حفظ نص صحیح قرآن الزامی بود» (الدانی، المقنع فی معرفة مرسوم مصاحف الامصار...، ۱۱۵ و ۱۱۶؛ رامیار، تاریخ قرآن، ۴۵۳). از دیگر عوامل مؤثر در اختلاف قرائت به زعم گلدزیهر، تأثیر مکاتب فقهی و کلامی مختلف و دخالت نحویان در قرائت است، اما هرگز این قبیل قرائت مورد تبعیت عامه مردم قرار نگرفت.

گلدزیهر به عواملی همچون ملحقات تفسیری و جایگزینی مترادفات در شکل‌گیری اختلاف قرائت نیز اشاره می‌کند. همان‌طور که بیان شد، هدف از این اضافات تفسیری و

مترادفات، تبیین آیات قرآن بوده است، اما به سبب پیدایش اختلاف قرائات و توحید مصاحف در زمان عثمان این مطالب نیز از نص قرآن جدا گشت؛ لذا آیاتی مورد اشاره گلدزیهر در این زمینه، از دایره اعتبار خارج‌اند.

مکی بن ابی‌طالب در این باره می‌نویسد: «این قرائاتی که ناشی از اختلاف با خط مصحف عثمانی است و هرآنچه به نوعی زیادت یا نقصان یا تبدیل نسبت به مصاحف عثمانی تلقی شود - که بسیار زیاد است - همان چیزی است که حذیفه در جنگ آذربایجان به سبب آن تکفیر مسلمانان را نسبت به یکدیگر دید و از خلیفه خواست مسلمانان را بر یک مصحف واحد جمع کند تا آن اختلافات از بین برود» (ابن ابی‌طالب، الابانه عن معانی القرائات، ۷۹ و ۸۰).

اکنون عامل اصلی شکل‌گیری اختلاف قرائات از دیدگاه قرآن پژوهان اشاره می‌کنیم. پدیده اختلاف قرائات که پس از وفات رسول اکرم ﷺ آغاز گشت، دوره‌های مختلفی را به خود دید که مطابق آن اصلاحاتی برای حفظ قرائت اصیل قرآنی صورت گرفت. بعد از وفات پیامبر به سبب لهجات مختلف قبایل عرب، کیفیت نگارش مصاحف موجود، اعتماد به مصاحف شخصی و اجتهاد قاریان و اختلاف روایات و نقل از صحابه، اختلافاتی در قرائت حادث گشت که به توحید مصاحف در زمان عثمان منجر شد. بعد از توحید مصاحف، ویژگی‌های رسم‌الخط مصحف در کنار اجتهاد قاریان و پیدایش علم نحو و تأثیر آن در توجیه قرائات مختلف، به ایجاد اختلافات دیگری در قرائت منجر گشت که به اصلاح رسم‌الخط قرآن کریم ختم شد (ر.ک: معارف «تاریخ اختلاف قرائات قرآن کریم»، مقالات و بررسی‌ها، ۱۰).

رکن اصلی شکل‌گیری این اختلافات را می‌توان اجتهاد قاریان دانست که در پی عواملی چون شهرت‌طلبی، ایجاد قرائات متمایز یا حتی تلاش برای رسیدن به قرائت اصیل قرآنی صورت می‌گرفت. مصحف بی‌نقطه و اعراب عثمان، زمینه را برای اجتهادات قراء

فراهم تر می نمود؛ به گونه ای که هر کسی فراخور درکی که از قرآن و زبان عربی داشت، به اعمال سلیقه خود درباره قرائت قرآن می پرداخت.

آیت الله خویی رسم الخط قرآن را بی تأثیر در اجتهاد قراء نمی داند و می نویسد: «اگر سبب اختلاف قاریان را خالی بودن قرآن ها از نقطه و حرکت در نظر بگیریم، احتمال اجتهاد قاریان بیشتر تقویت می شود» (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۶۵). سید جعفر مرتضی عاملی نیز معتقد است، قراء برای اثبات قرائات خود به اسبابی همچون رسم الخط مصحف، مقصود و مراد آیه، ترکیب نحوی و بنای صرفی و اشتقاق لغوی رجوع کرده اند و در تأویلات استحسانی از حد معقول خارج شده اند (ر.ک: عاملی، حقایق عامه حول القرآن الکریم، ۲۸۶-۲۸۹).

در نیمه قرن دوم (بعد از توحید مصاحف از سوی عثمان) وجود روایات هفت حرف که در میان مسلمانان رواج یافته بود، در شکل گیری این اختلافات تأثیر به سزایی داشت. این مسئله ناشی از فعالیت های زناده در تخریب اسلام و سنت پیامبر ﷺ بود، به گونه ای که در اواخر حکومت اموی این قبیل احادیث با ارجاع به صحابه ساخته و هنگام تدوین کتب حدیث در آنها گنجانده شد (ر.ک: عسکری، القرآن الکریم وروایات المدرستین، ۱۸۶/۲)؛ لذا این قبیل روایات که دلالت بر عدم ثبات نص قرآن دارد، هرگز از صحت برخوردار نیست.

قرائت قرآن کریم امری است توقیفی که اجتهاد قاریان و نحویان در آن بی تأثیر است. آنچه حائز اهمیت است، استناد قرائت به پیامبر اکرم ﷺ یا ائمه معصومین علیهم السلام است که در روایات ایشان از این قرائت به قرائت عامه مردم یاد شده است. کلینی به نقل از سالم بن سلمه از امام جعفر صادق علیه السلام آورده است: «قرأ رجل علی ابی عبد الله وأنا استمع حروفا من القرآن لیس علی ما یقرأها الناس فقال ابو عبدالله کف عن هذه القراءة، اقرأ كما یقرأ الناس حتی یقوم القائم» (کلینی، الکافی، ۶۳۳/۲).

بررسی آرای گلدزیهر پیرامون اختلاف قرائت قرآن کریم / ۲۳

در روایات ائمه از عامل اصلی شکل دهنده این اختلافات به «راویان» و نیز «اعداءالله» تعبیر شده است. فضل بن یسار می‌گوید: «قلت لابی عبدالله ان الناس یقولون ان القرآن نزل علی سبعة احرف، فقال: کذبوا اعداءالله ولکن نزل علی حرف من عندالواحد» و قال ابو جعفر: «ان القرآن واحد نزل من عندالواحد و لکن الاختلاف یجی ومن قبل الرواة» (همان، ۶۳۰/۲). بنابراین ملاک صحت قرائت، سند آن و توافق عامه مردم می‌باشد که از دیرباز راه شناخت قرائت صحیح از سقیم بوده است. قرآن‌پژوهان قائل به تواتر قرائت هفتگانه نیستند و سند طلایی قرائت از منظر آنها تنها در قرائت حفص از عاصم دیده می‌شود (ر.ک: مؤدب، نزول قرآن و رؤیای هفت حرف، ۱۹۳).

### ۳. نظریه قرائت قرآن بر اساس معنا و تأثیر آن در اختلاف قرائت

نظریه قرائت قرآن بر اساس معنا که به آن اشاره شد، یکی از خطرناک‌ترین نظریه‌های گلدزیهر است که پیامدی جز اثبات تحریف قرآن در برنخواهد داشت. موضوع قرائت در ارتباط وثیق با صحت نص قرآنی است و مشکل قرائت برحسب معنا، برآمده از روایات هفت حرف و تجویز قرائت گوناگون توسط برخی از اهل سنت است که نتیجه آن، آسیب وارد شدن بر وثاقت نص قرآن کریم است. اگر همان‌گونه که گلدزیهر اعتقاد دارد، مسلمانان قرآن را براساس معنای آن قرائت می‌کردند (ر.ک: گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۴۹) می‌بایست تمام وجوه قرائت در جایگزینی الفاظ مترادف خلاصه می‌شد، حال آنکه تعدد و تنوع این اختلافات حاکی از آن است که این اختلافات ریشه در عوامل دیگری دارد. جایگزینی مترادفات در قرائت و تلاوت قرآن کریم، یکی از معانی است که برای روایات هفت حرف در نظر گرفته شده است، اما طبق آنچه اهل سنت از زمان بقای این روایات تا هنگام خلافت عثمان قائل هستند، این مسئله باید با توحید مصاحف از بین رفته باشد. همچنین می‌توان اذعان داشت که تبدیل کلمات به مترادفات آنها یکی از عوامل شکل‌گیری اختلاف قرائت بود، اما طبق روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مسلمانان خواسته می‌شود

که قرآن را همان‌طور که آموخته‌اند، بخوانند: «فاقرووا کما اقرئتموه» (ابن سلام، فضائل القرآن و معالمه و آدابه، ۱۹۴/۲).

اهمیت مسئله قرائت تا آنجا است که صحابه پیامبر ﷺ از ابتدا به بیان یگانه معیار صحت قرائت پرداختند که همان پیروی از سنت پیامبر است. در روایتی به نقل از زیدبن ثابت آمده است: «قرائت سنتی است که لاحق آن را از سابق اخذ می‌کند» (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ۴۰/۱)؛ بنابراین، صحابه از ابتدا قرائت قرآن را سنت خوانده‌اند و معیار صحت آن را استناد به پیامبر اکرم ﷺ دانسته‌اند. همچنین - قرائت قرآن بر اساس معنا و جایگزینی واژه‌های مترادف محل فصاحت و بلاغت است؛ چه هر کدام از این قبیل لغات، دارای تفاوتی در کاربرد هستند که از نظایر هم متمایز می‌شوند و با توجه به اینکه پیامبر ﷺ فصیح‌ترین افراد عرب بودند، چگونه ممکن است به چنین مسئله‌ای اجازه داده باشند؟

#### ۴. ادعای اضطراب نص قرآن

همان‌گونه که گذشت، مسئله اختلاف قرائات، گلدزیهر را بر آن می‌دارد که نص قرآن کریم را مضطرب‌ترین نص و حیانی بخواند (ر.ک: گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۴)، در حالی باید پرسید آیا گلدزیهر متن تمام کتب و حیانی را دیده و به مقایسه آنها پرداخته و این اضطراب را تنها در قرآن دیده است؟

عبدالفتاح قاضی، پژوهان اهل سنت، می‌نویسد: «بر نص قرآن اضطراب وارد نمی‌شود، همچنان که محال است بر آن دوگانگی و عدم ثبات چیره گردد؛ زیرا معنای اضطراب و عدم ثبات در نص قرآن آن است که نص قرآن بر وجوه مختلف و صور متعدد خوانده شود، به شکلی که میان آنها هیچ سازگاری نباشد و وحی از غیر وحی باز شناخته نشود. چنین اضطرابی از قرآن منتفی است» (عبدالغنی قاضی، القرائات فی نظر المستشرقین والملحدین، ۱۱).

برخی از اهل سنت با اعتقاد به صحت روایات هفت حرف در جواز قرائات متعدد، این اضطراب را در وجوهی می‌دانند که در تضاد با یکدیگر باشد. ابن قتیبه اختلافات در قرآن را به دو نوع تغایر و تضاد تقسیم‌بندی می‌کند و قرائات متفاوت را صورت‌های مختلف از

یک معنای واحد می‌داند و از آن به اختلاف به تغایر یاد می‌کند، اما از منظر او تضاد در قرآن به معنای مخالفت قسمتی از آیات با بخشی دیگر مطرود است. او در این زمینه می‌نویسد: «هرگونه اختلاف از نوع تضاد در قرآن جایز نیست و در قرآن غیر از امر و نهی، نسخ و منسوخ چیز دیگری نیست، اما اختلاف به تغایرها جایز است؛ زیرا اختلاف قرائت همان اختلاف تنوع و تغایر است و نه تعارض و تضارب. در کلام عقلانی بشر چنین تضادی متصور نیست تا چه رسد به کلام رب العالمین؛ لذا قرآن از هرگونه اضطرابی به دور است» (ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، ۴۰).

اما قرآن پژوهان محقق همین اختلافات را نیز حاصل اجتهادات قراء می‌دانند، زیرا قرآن در متن و قرائت واحد است و از جانب خدای واحد نازل شده است.

باید پرسید گلدزیهر چگونه با وجود نسخه‌های متفاوت انجیل و اعتقاد به فرو فرستاده شدن تورات به لغت‌های گوناگون (ر.ک: گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۵۳) متن قرآن را مضطرب‌ترین نص و حیانی می‌خواند؟ به نظر می‌رسد که گلدزیهر با تجاهل نسبت به حقایق تاریخی معتقد شده است که در هیچ دوره‌ای علاقه به توحید نص قرآن کریم در میان مسلمانان به وجود نیامد. در صورتی که نگارش مصحف در حقیقت، نوعی تعیین قرائت و محدود کردن آن و از بین بردن اختلافات است. مکی بن ابی طالب نیز به این مسئله اشاره می‌کند که نگارش مصحف توسط عثمان در واقع نشان از اراده کردن یک قرائت واحد بوده است (ر.ک: ابن ابی طالب، الابانه عن معانی القرائت، ۴ و ۵)؛ بنابراین، نگارش مصحف و تمام تلاش‌ها در حفظ قرائت واحد و اصلاح رسم الخط قرآن حاکی از تلاش برای حفظ نص واحد قرآن و عدم اضطراب آن است. علاوه بر این، باید توجه داشت که قرائت قرآن کریم بر سماع استوار است تا کتابت؛ به همین دلیل یکی از محققان می‌نویسد: «آنچه مستشرقان را به وهم اضطراب نص قرآن انداخته است، جهل آنها نسبت به اسباب تلقی قرآن توسط مسلمانان است. اعتماد در قرائت و نص قرآن بر حافظه‌ها و قلوب بوده است و نه کتابت. قرائت پیش از تدوین مصحف عثمان رواج داشت و بنای

قاریان در قرائتشان بر نقل بود و نه آنچه در مصاحف می خواندند» (سلیمان الحلی، القرائات القرآنیة بین المستشرقین والنحاة، ۳۱).

گلدزیهر این اختلافات را به تساهل پیامبر ﷺ در تعلیم قرآن نسبت می دهد و حتی صدور روایات هفت حرف را تدبیر پیامبر ﷺ در مواجهه با شکل گیری اختلاف قرائات می داند (ر.ک: گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۵۱). حال باید پرسید چگونه صدور روایات هفت حرف نوعی تدبیر قلمداد می شود، در حالی که این روایات، تشتت تمام قرائت قرآن کریم را در بر خواهد گرفت؟ علامه عسکری در این باره می نویسد: «معنای روایات احرف سبعة آن است که به هر قاری اجازه داده شود که مطابق میل و خواسته اش به محض رغبت و به شرط حفظ دو مورد به تغییر در قرآن پردازد؛ اول اینکه آیه رحمت به عذاب تبدیل نشود و بالعکس و دوم اینکه تعداد تغییرها از هفت تغییر تجاوز نکند که این مسئله عین تحریف قرآن است» (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۳۸/۲)؛ لذا برای مثال، پیامبر ﷺ هرگز به تأیید قرائت و نگارش عبدالله بن سعد بن ابی سرح پرداخت. مطابق آنچه در روایات آمده است، آیه ۹۳ سوره انعام در مورد وی نازل شد و پیامبر ﷺ نیز او را مرتد و مهدورالدم خواند (ر.ک: مجلسی، بحار الانوار، ۳۴/۲۲؛ کلینی، الکافی، ۲۰۱/۶)؛ بنابراین، حکم الهی نسبت به کسی که به تحریف تغییر آیات می پرداخت، حکم به ارتداد است و هرگز عمل وی مورد تأیید پیامبر ﷺ قرار نگرفته است.

علاوه بر این، سیره پیامبر ﷺ در تعلیم قرآن کریم همچون آموزش تدریجی، اقرای واضح و روشن، رعایت وقف پایان هر آیه، صوت زیبا، به کارگیری نظام تحسین و تشویق افراد بر مداومت بر قرائت و فهم آیات از جمله عواملی بود به فهم و قرائت واحد آیات کمک می کرد (ر.ک: معارف، درآمدی بر تاریخ قرآن، ۱۰۷-۱۷۷؛ رجبی، آیین قرائت و کتاب در زمان پیامبر ﷺ، ۶۱-۸۴)؛ لذا تسهیل قرائت قرآن برای مردم نیازی به تساهل روایات هفت حرف نداشت؛ زیرا قرائت ساده و روان پیامبر اکرم ﷺ کمک فراوان به تعلیم قرآن و تکرار آن می کرد. پیامبر اکرم ﷺ در اقرای قرآن روشی را بنا نهاد که



بیشترین تناسب و هماهنگی را با ماهیت قرآن داشته باشد، به گوناگونی انسان‌ها از جنبه‌های مختلف توجه شود و بیشترین شباهت را به الگوی تنزیل تدریجی و روش تعلیم الهی داشته باشد (ر.ک: رجبی، آیین قرائت قرآن در زمان پیامبر ﷺ ۵۲).

اعتقاد به پیدایش قرائت گوناگون توسط پیامبر اکرم ﷺ کاملاً بی‌اعتبار است؛ زیرا آن حضرت، خود، معلم قرآن و حریص‌ترین افراد در صیانت از کلام الهی بودند و بارها می‌فرمودند: «خیرکم من تعلم القرآن وعلمه» (بخاری، الصحيح، ۱۶۱۱/۳).

#### ۵. آسیب‌شناسی پژوهش‌های گلدزیهر در مسئله اختلاف قرائت قرآن کریم

برخی از یهودیان مغرض به سبب اهداف دینی و سیاسی پس از جنگ‌های صلیبی و به قصد اشغال جهان اسلام با مسیحیان هم پیمان شدند و بدین ترتیب آنان نیز پا به عرصه اشتراق گذاشتند. از این‌رو، می‌توان حضور اهداف دینی را در مطالعات اسلامی و قرآن‌پژوهی گلدزیهر به راحتی مشاهده کرد. او می‌کوشد تا از خلال مباحث آکادمیک خود ضعف قرآن در برابر تورات یا وامدار بودن قرآن در معارف و عقاید نسبت به تورات را اثبات کند. وی قرآن را منتسب به پیامبر ﷺ و برگرفته از معارف یهودی و مسیحی می‌داند (ر.ک: گلدزیهر، العقیده و الشریعة فی الاسلام، ۱۲). او حتی توحید را در قیاس با تثلیث، مذهبی مبتنی بر نقایص برمی‌شمارد. (ر.ک: همان، ۲۱).

وی با چنین سابقه ذهنی به مبحث اختلاف قرائت قرآنی پرداخته است؛ بنابراین، در آسیب‌شناسی پژوهش‌های گلدزیهر می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

#### ۵-۱. انحراف مباحث گلدزیهر از یک بحث علمی صحیح و تکیه بر اهداف و نتایج از

##### پیش تعیین شده

بحث علمی، بحثی است که از هرگونه طعنه، تجریح و تشویه به دور باشد. التزام محقق به یک بحث علمی با پابندی به این شروط امکان‌پذیر است: «۱. تجرد از افکار سابق تا تحقیق بر پایه افکار گذشته نباشد ۲. علم به جوانب موضوع ۳. التزام به حفظ امانت در نص که به توهم فعالانه نیامیزد ۴. التزام در به کارگیری معلومات صحیح و به کارگیری صحیح

معلومات» (حسن جبل، الرد علی المستشرق الیهودی جولدتسیهر فی مطاعنه علی القرائات القرآنیة، ۲۸ و ۲۹)، حال آنکه گلدزیهر با بهره‌گیری از احادیث ضعیف و قرائات شاذ به اثبات ضعف اسلام و قرآن می‌پردازد. به عقیده یکی از محققان، عدم وجود انصاف و طرح صحیح موضوع و استفهام علمی در خلال تحلیل، نشانگر نوعی مطالعات سطحی در میان برخی از مستشرقان است به گونه‌ای که ما را به سمتی سوق می‌دهد که آنها را تنها مرتزقین استشراق بنامیم (ر.ک: بشیر الفعلی، مناہج البحث لدی المستشرقین و علماء الغرب، ۲۸۶).  
نتایج تحقیقات گلدزیهر ناشی از عدم آگاهی و یا تجاهل وی نسبت به حقیقت موضوع قرائات و عدم به کارگیری معلومات صحیح و تلاش برای ایجاد تسلسل فکری است.

#### ۲-۵. منهج تحقیقاتی گلدزیهر

الف) منهج مقایسه ادیان، تطبیق و تحمیل در پژوهش‌های اسلامی  
گلدزیهر معتقد به شناخت اسلام از طریق مقایسه آن با آیین یهود است؛ زیرا به زعم وی معارف اسلامی برگرفته از تورات است. ظهور این عقاید را می‌توان در جملات ابتدایی کتاب «مذاهب التفسیر الاسلامی» دید (ر.ک: گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۳). او اختلاف قرائات قرآنی را همچون رأی نزول تورات بر لغت‌های گوناگون می‌داند و از رهگذر این قیاس تلاش می‌کند تا نشان دهد تصور یک پارچگی و وحدت نظر درباره قرآن که در میان مسلمانان رایج است، تصویری است که با نزدیک‌تر شدن به تاریخ قرآن و غور در آن رنگ می‌بازد. عبدالرحمان بدوی درباره روش علمی او می‌نویسد: «او در پژوهش‌های خویش نظامی استدلالی داشت و نه استقرایی؛ یعنی با نظام ذهنی از پیش ساخته و با دیدگاه‌های کلی و اجمالی به سراغ منابع می‌رفت تا انطباقی میان نظریه‌های کلی خود و آن منابع بیابد» (بدوی، موسوعه المستشرقین، ۱۹۹).

مقایسه دو دین یهود و اسلام توسط گلدزیهر از آنجا که از حرکت در سایه روح علمی به دور است، به نفی عقاید بنیادی در اسلام همچون وحی، توحید، معجزات انبیاء منجر گشته است. یکی از محققان می‌نویسد: «گلدزیهر در جوانی طرفدار نظریه ولهاوزن مبنی بر

بررسی آرای گلدزیهر پیرامون اختلاف قرائات قرآن کریم / ۲۹

نامتجانس بودن اجزای تورات شد. گلدزیهر در اواخر عمر به این نتیجه رسید که اگر نظریه ولهاوزن ورنان درباره افسانه بودن تورات درست نباشد، باز هم باید تورات را همچون یک اثر هنری پذیرفت» (گلدزیهر، درس‌هایی درباره اسلام، ۳۸ و ۳۹). این مسئله سبب پیدایش منهج تحمیل و تطبیق در پژوهش‌های اسلامی گلدزیهر شده است که به معنای تفسیر اوضاع و حوادث تحت تأثیر تجارب و باورهای فردی است (ر.ک: عامر عبدالحمید مظاهر، منهج الاسقاط فی الدراسات القرآنیة عند المستشرقین، ۵) و به نفی حقایقی منجر می‌شود که به صورت تصویری عقلانی نزد وی موجود نیست.

#### ب) منهج نفی

منهج نفی که در قرآن پژوهی برخی از مستشرقان مشهود است، به معنای نفی روایات صحیح در یک موضوع و تمسک به روایات ضعیف و شاذ است. (عروزی، مناہج المستشرقین فی دراسة القرآن الکریم، ۴۳). گلدزیهر در مبحث علم القرائات - همان‌گونه که به نمونه‌ای از آیات اشاره شد - با انواع تجریح و نفی تام روایات صحیح و تمسک به روایات ضعیف به اثبات قرائات شاذ پرداخته و کوشیده است مدعای خود را مبنی بر اضطراب نص قرآن به اثبات رساند.

#### ۶. منابع گلدزیهر

ضعف تحقیقاتی گلدزیهر از حیث منابع در دو سیر بهره‌گیری از نگاه‌های مستشرقان پیشین و رجوع تک بعدی به منابع اسلامی و استناد به آرای برخی از اهل سنت در صحت قرائات مختلف قابل بررسی است؛ از این‌رو، می‌توان تأثیر آرای نولدکه در تاریخ و قرائات قرآن را در نگاه‌های وی مشاهده کرد. رجوع به منابع نامعتبر یکی دیگر از آسیب‌های تحقیقات وی است. او در بررسی اختلاف قرائات قرآنی به کتاب «الف لیلة و لیلة» (هزار و یک شب) که کتابی غیر مرتبط به علم القرائات است، مراجعه کرده است (ر.ک: گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۸ و ۵۷). این مسئله به خطای در استنتاج با توجه به

ماده اولیه فکری و خالی بودن تحقیق از استدلال‌های قوی و تناقض‌گویی‌ها و اعتقاد به تحریف قرآن (ر.ک: همان، ۱۰-۴) منجر شده است.

#### نتیجه

از آنچه گذشت نتایج ذیل به دست می‌آید کیفیت قرائت قرآن توقیفی و لازم‌الاتباع است. قرآن به تواتر اثبات می‌شود و قرائاتی که گلدزیهر به آنها اشاره می‌دهد، شاذ و از دایره اعتبار خارج است؛ لذا قرآنیّت آنها اثبات نمی‌شود.

گلدزیهر روایات شاذ در قرائات را به تفسیر طبری نسبت می‌دهد، حال آنکه طبری از جمله کسانی است که معتقد است عثمان قرآن را بر یک حرف جمع کرد و شش حرف باقی را کنار نهاد (ر.ک: طبری، جامع البیان، ۹).

تفکر آزادی در برابر نص قرآن و قرائت آن مطابق معنا با توجه به تمسک قریب به اتفاق مسلمانان بر یک قرائت واحد، تنها از ابداعات گلدزیهر است.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. ابن ابی طالب الحموش القیسی، مکی، الابانة عن معانی القرائات، تحقیق عبدالفتاح اسماعیل شلبي، مصر، مكتبة نهضة مصر بالفجالة، ۱۹۶۰ق.
۳. ابن سلام، قاسم، فضائل القرآن و معالمه و آدابه، مغرب، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تأویل مشکل القرآن، جمع و نشر احمد صقر، قاهرة، دار التراث، چاپ دوم، ۱۳۵۹ق.
۵. آلوسی، شهاب الدین محمود، روح المعانی فی تفسر القرآن العظیم و السبع المثانی، قاهرة، ادارة الطباعة المنيرية، بی تا.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحيح، محقق محمد علی القطب و هشام البخاری، بیروت، مكتبة العصرية، چاپ پنجم، ۱۴۲۰ق.
۷. بدوی، عبدالرحمان، موسوعه المستشرقین، بیروت، دار العلم للمسلمین، چاپ دوم، ۱۹۹۳م.
۸. جزری، محمد، النشر فی القرائات العشر، مصحح علی محمد الضباغ، مصر، مكتبة التجاریة الكبرى، بی تا.
۹. حسن جبل، محمد حسن، الرد علی المستشرق اليهودی جولدتسیهر فی مطاعنه علی القرائات القرآنیة، مصر، جامعة الازهر، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.
۱۰. الحلی، حازم سلیمان، القرائات القرآنیة بین المستشرقین و النحاة، نجف، مطبعة القضاء، ۱۴۰۷ق.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی التفسیر القرآن، بیروت، دار الازهر، ۱۴۰۷ق.
۱۲. دانی، عمرو بن عثمان بن سعید، المقنع فی معرفة موسوم مصاحف الامصار مع كتاب النقط، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۵۹ق.
۱۳. دروزه، محمد عزة، تاریخ القرآن، بیروت، مكتبة العصرية، بی تا.
۱۴. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۵. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ هفتم، ۱۳۸۵ش.
۱۶. رجبی، محسن، آئین کتابت و قرائت در زمان پیامبر ﷺ، بی تا.
۱۷. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۸. ساسی سالم الحاج، نقد الخطاب الاستشراقی، بیروت، دار المدار الاسلامی، ۱۴۲۳ق.
۱۹. سیوطی، تفسیر جلالین، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
۲۰. —، در المنثور فی التفسیر المأثور، قم، مكتبة آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۱. شلبي، عبدالفتاح اسماعیل، رسم المصحف العثماني و اوهام المستشرقین فی القرائات القرآن الکریم، دوافعها، دفعها، جدة، دار المنائر، بی تا.

۳۲ / قرآن پژوهی خاورشناسان، سال هشتم، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش

۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، تهران، کتابفروشی الاسلامیه، ۱۳۷۲ش.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی التفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۶. عاملی، جعفر مرتضی، حقایق هامه حول القرآن الکریم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۷. عزوزی، حسن، مناهج المستشرقین البحیثه فی دراسة القرآن الکریم، نشست استشرافی در: [www.al-maktabah.com](http://www.al-maktabah.com)، ۲۰۰۶م.
۲۸. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم، انتشارات دانشگاه اصول الدین، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
۲۹. العقیقی، نجیب، المستشرقون، مصر، دار المعارف، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ق.
۳۰. الفعلی، محمد البشیر، مناهج البحث فی الاسلامیات لدى المستشرقین و علماء الغرب، مرکز الملك فیصل للبحوث و الدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۲ق.
۳۱. القاضي، عبدالفتاح عبدالغنی، القرائات فی نظر المستشرقین و الملحدین، مصر، دارالسلام للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۶ق.
۳۲. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ق.
۳۴. گلدزیهر، ایگناس، العقیده و الشریعة فی الاسلام، ترجمه محمد یوسف موسی، علی حسن عبدالقادر، عبدالعزیز عبدالحق، مصر، دار الکتب الحدیثه بمصر، چاپ دوم، ۱۳۷۸ق.
۳۵. \_\_\_\_\_، درس های دربارہ اسلام، مترجم علی نقی منزوی، تهران، انتشارات کمانگیر، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۳۶. \_\_\_\_\_، مذاهب التفسیر الاسلامی، مترجم به عربی عبدالحلیم نجار، مصر، مکتبه الخانجی، ۱۳۷۴ش.
۳۷. مؤدب، سید رضا، نزول قرآن و رؤیای هفت حرف، قم، انتشارات بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
۳۸. مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۳۹. مظاهر، محمد عامر عبدالحمید، منهج الاسقاط فی الدراسات القرآنیة عند المستشرقین، نشست استشرافی در: [www.al-maktabah.com](http://www.al-maktabah.com)، ۲۰۰۶م.
۴۰. معارف، مجید، تاریخ اختلاف قرائات قرآن کریم، مقالات و بررسی ها، ش ۶۱، سال ۱۳۷۷ش.
۴۱. \_\_\_\_\_، درآمدی بر تاریخ قرآن، تهران، انتشارات نبأ، ۱۳۸۳ش.